

# حقوق ((اطفال بز هکار))

از : دکتر حسن غفوری

## اثرات عوامل جرم زا

در

### جرایم اطفال

آیا تمایل به ارتکاب جرم در بعضی از مجرمین فطری است ؟  
« عوامل ذاتی » و « عوامل خارجی » در تکوین جرائم چه اثراتی دارند ؟

انتقال صفات و خصوصیات اخلاقی والدین ، به فرزندان

### حوارض ارثی مانع رشد طبیعی و سالم طفل میگردد

بر اثر تحولاتی که با پیدایش مکاتب جدید در حقوق جزا بوقوع پیوست (۱) ابتدا این مسئله مورد توجه قرار گرفت که آیا تمایل بارتکاب جرم و وجود و حالت ضد اجتماعی نزد بعضی از افراد و تبه کاران یک امر فطری ذاتی است و در خمیره آنها مکنون بوده یا آنکه مملول یک سلسله حوادث و علل مختلف اعم از نقائص وجودی و یا تأثیر حوادث و عوامل خارجی است ؟

در این باره البته نظریات مختلفی ابراز شده است ، برخی از دانشمندان و صاحبان عقیده معتقد بودند که بعضی افراد با مشخصات خاصی که از بد تولد به همراه دارند و با آثار و علائمی که در چهره و خصوصیات جسمانی و روحی آنها مشاهده میشود ، خوی جنایت پیشه گمی در سرشت آنها نهاده شده و با اصطلاح « مجرمین بالفطره » (۲) محسوب میشوند. از زمره پیشوایان و مبدئین این نظریه باید بدکتور سزار لمبروزو (۳) و تعریفی که وی از « مجرم بالفطره » نموده است اشاره کرد . (۴)

این نظریه که در قرن نوزدهم تا حد زیادی مورد توجه قرار گرفته بود ، هر چند که با پیدایش مکاتب تازه دیگر ارزش خود را از دست داده ، ولی در زمان خود نه تنها یکی از علل مؤثر در طبقه بندی که مکتب تحقیقی از مجرمین بعمل آورد محسوب شد ، بلکه در عین حال سبب گردید که بعلم جرائم و عواملی که موجب ارتکاب جرم را فراهم میآورد ، اهم

۱ - بمقاله نویسنده در شماره ۸ مجله « حقوق امروز » مراجعه شود .

۲ - Le Criminel - neou instietif

۳ - Dr Cesare Lombroso

۴ - تصویری که دکتر لمبروزو از مجرم بالفطره میدهد در واقع میتوان وی را باین صورت مجسم ساخت ، شخصی با قد نسبتاً کوتاه ، چنه ای کوچک ، آبروهای بزرگ ، گوشهای پهن یاد بزلی ، لبهای هاریک ، موهای زیاد ، ریش تنگ و کم ، بی عاطفه و بی توجه بامور ، در ارتکاب جرائم جسور ، و بی اعتنا بخطرانی که ممکن است وی را در هنگام عمل تهدید نماید . لذا جرائم وی با جسارت و خشونت توأم خواهد بود .

از علل ناشی از عوارض و نقائص ذاتی و اثرات محیط و عوامل خارجی دقت و توجه شود .  
 پیروان مکتب تحقیقی بر این عقیده بودند که ارتکاب جرم از طرف مجرم تحت تاثیر يك اجبار درونی و تمایل ذاتی انجام میگردد که مجرم در اجرای آن هیچگونه اختیاری از خود نداشته و ناگزیر از انجام آن است و در حقیقت يك نوع جبری در این زمینه قائل بودند . روی همین اصل در رأس طبقات پنجگانه مجرمین «مجرم بالفطره» را با مشخصات و تصویر ظاهری و روانی که از وی ترسیم شده بود قرار داده بودند و اکثر مجرمین را در عداد این طبقه میدانستند . از نظر مجازات نیز ، چون بیشتر بمسئله دفاع و حفظ اجتماع توجه داشتند و وجود مجرم بالفطره را برای جامعه مضر تشخیص داده معتقد بودند که این دسته از مجرمین بهر وسیله ای که شده باید برای همیشه از اجتماع طرد شوند و لذا برای آنها مجازاتهایی نظیر : اعدام ، حبس ابد یا کار در مزارع و محلهای دور از اجتماع ، تبعید و اقسام دائمی در تبعیدگاه و ... در نظر گرفته بودند .

در مقابل ، با توسعه و پیدایش دانشهای تازه ای مانند ، روان پزشکی ، جامعه شناسی ، جرم شناسی و علوم جنائی جدید و ... تصویری که مکتب تحقیقی از «مجرم بالفطره» داده بود و آنرا مطلقاً محکوم وراثت و تقدیر نوشته ، اعلام داشته بود مورد تردید قرار گرفت . حتی بعضی از منتقدین ، مکتب تحقیقی را بواسطه شدت عملی که درباره بعضی از طبقات مجرمین نشان داده و محکومیت آنها را از قبل اعلام داشته بود ، بسختی مورد نکویش و انتقاد قرار دادند و آنرا خلاف اخلاق و دون شان و میان عواطف بشری دانستند . بخصوص با گسترش دامنه روان پزشکی اطفال و شناخته شدن بسیاری از امراض روانی و اختلالات عاطفی اصولاً موضوع مجرم بالفطره منتفی بود ، تنها بعضی از روان پزشکان تعریف لمبروزور را *Foux moraux* (دیوانگان اخلاقی یا کز خواها) تطبیق کردند که البته عده این دسته از بیماران روانی نیز در بین سایر مجرمین آنقدرها قابل توجه نیست .

جرم شناسی اصولاً مفهوم دیگری از جرم و وجود خوی ضد اجتماعی نزد مجرمین داده این دانش ارتکاب جرم و تمایلات مجرمانه را تنها نتیجه وراثت ( چنانکه مکتب تحقیقی اسلام داشته بود) نمیداند . بلکه معتقد است که اعمال خلاف اجتماع ، نتیجه يك سلسله عوامل مختلف و متعددی است که تجمع و امتزاج چندین عامل از مجموعه این عوامل ممکن است منتهی بسقوط شخص شده و بالاخره بصورت جرم یا اعمال ضد اجتماعی در خارج ظاهر نماید که البته بسیاری از این عوامل قابل پیش بینی و پیشگیری بوده و چنانچه قبلاً اقدامات احتیاطی لازم بعمل آید ، چه بسا که وقوع جرم یا عمل ضد اجتماعی مطلقاً صورت خارجی پیدا نماید و از این نظر امروز توجه اکثر مصلحین ، علمای حقوق و جرم شناسان بیشتر بر اتخاذ تدابیری است که بتواند تا سرحد امکان از وقوع جرم پیشگیری بعمل آورد نه آنکه جرم واقع شده و سپس مجازات مناسبی اتخاذ گردد .

**انگیزه شناسی جنائی** ( چنانکه ضمن مقاله گذشته بدان اشاره شد ) عوامل مؤثر در ارتکاب جرم را بطور کلی بدو دسته متمایز تقسیم کرده که یکدسته بموامل ذاتی یا علل فردی تعبیر میشود و دسته دیگر عواملی است که خارج از وجود طفل بوده بر روی او يك اثر ثانوی خواهد گذاشت . مانند اجتماع یا محیطی که طفل در آن بسر میبرد و اثراتی که آنها در طفل برجای خواهند گذاشت . و چون جرم در حقیقت معلول و نتیجه ای است از امتزاج و ترکیب چندین عامل از این عوامل مختلف ، لذا برای شناسائی و کشف علت حقیقی جرم ابتدا میباید جستجوی این عاملها و سبب ایجاد و تکوین آنها و حدود تأثیری که این عوامل در ارتکاب جرائم خواهند داشت پرداخت و سپس با جستجوی علل واقعی جرم به تناسب آن و در صدد مداخله و یا اتخاذ تدابیر اصلاحی و تهنیدی بر آمد .

عواملی که از آنها بمعامل فردی تعبیر میشود عبارت از عیوب و نقائص ارثی یا عارضی

بر طفل اعم از جسمانی یا روانی هستند که بر اثر وجود این عوارض در طفل يك روحیه ضعیف و تلقین پذیری بر جای خواهد گذاشت که بر اثر اتفاقات یا قرار گرفتن طفل در محیطهای نامناسب و بالاخره تماس با رفقا و معاشرین ناشایسته ممکن است موجبات سقوط طفل را فراهم سازند .

هنگام بحث از عوامل فردی تنها نباید آنها را بعامل ذاتی و سرشتی محدود کنیم، بلکه در يك مفهوم وسیع تر این عوامل ممکن است خارج از وجود شخص نیز موجود باشد، مانند علل مربوط بتوارث یا اثراتی که امراض در شخص بر جای میگذارند. پس در حقیقت هنگام بررسی عوامل فردی سه مبحث مختلف باید مورد رسیدگی قرار گیرد .

۱- مجموعه صفات و اوصاف موروثی منتقل شده از پدر و اجداد (۱)

۲- تحولاتی که از آغاز زندگی جنینی بر اساس این صفات و بدنبال يك سلسله فعل و انفعالات در تکوین شخصیت طفل مؤثر بوده و موجود يك دسته صفات تازه ای بنام صفات فطری گردیده است (۲) .

۳- ترکیب و شکل گرفتن تمام اینها در يك وضع ثانوی و تازه ای تحت عنوان طینت و سرشت ذاتی شخص با توجه باثراتی که حوادث و اتفاقات بعد از تولد در طفل بر جای خواهد گذاشت .

\*\*\*

حال اگر بر اثر نقائص ارثی ، عوارض دوران زندگی جنینی و حوادث و اتفاقات زمان کودکی در رشد طفل یا در عناصر سازنده شخصیت وی اختلالی روی دهد ، این عوارض ممکن است مانع رشد طبیعی کودک و پرورش شخصیت وی شده و یا در تکامل آنها تأخیر ایجاد نماید . سپس بصورت نقائص شخصیت ، اختلالات عاطفی و هر نوع پریشانیهای روانی در وی ظاهر شود . و طفل تحت تأثیر این عوارض و حالت غیر طبیعی ذاتی خود مرتکب اعمالی گردد که با زندگانی اجتماعی ناسازگار و مختل نظم جامعه باشد .

بنابراین هنگام مواجهه با صغار مجرم و اطفال ناسازگار ایجاب مینماید که قبل از توجه بجرم آنها و تعیین مجازات برای خطای ارتکابی ، بشخصیت و خصوصیات اخلاقی و روحی آنان توجه شود ، چنانچه انگیزه ای که محرک طفل در ارتکاب جرم بوده و یا او را بعمل خلاف وادار نموده ناشی از وضع غیرعادی روحی او باشد ، طفل تحت مداوا و معالجه قرار گیرد و یا بمؤسسات خاص طبی - تربیتی که از این نظر بوجود آمده فرستاده شود .

البته امروز در اغلب قانونگذارها به مسئله آزمایشات و معاینات طبی (۳) - روانی اطفال مجرم یا ناسازگار توجه خاصی مبذول میشود و از این نظر قانونهایی بنام «کانون بررسی و مشاهده» (۴) ایجاد گردیده که قاضی اطفال در صورت لزوم، صغار مجرم را قبل از حضور در محکمه برای معاینه بکانون مزبور اعزام میدارد و سپس با توجه به نتیجه آزمایشات و نظر مشورتی کانون اخذ تصمیم مینماید .

ولی هنگام بحث در علل فردی ، و اثراتی که توارث یا امراض روانی و اختلالات عاطفی میتوانند در طفل داشته باشند ، هرچند که بررسی موضوع بیشتر از آنکه بعلم حقوق مربوط شود بدانشهایی مانند زیست شناسی ، پزشکی یا روان پزشکی بستگی خواهد داشت ، لیکن از نظر ارتباط نزدیکی که بین این عوامل و ارتکاب اعمال ضد اجتماعی و تظاهرات غیر طبیعی این افراد وجود دارد . ایجاب مینماید که بهر يك از این علل ولو بطور اجمالی اشاره شود .

۱- Genés .

۲- Les Caractères innés

۳- L'examen médico - psychologique .

۴ - Centre d'observation .

بطور کلی صفات و اختصاصات ارثی در بعضی موارد ممکن است مستقیماً فرزندان منتقل شود و در بعضی موارد دیگر فقط قسمتی از آنها قابل انتقال باشد. مثلاً در عوارضی مانند *L'epilepsie* يك در صد قابلیت انتقال از والدین فرزندان وجود دارد و حال آنکه همانطور که دکتر دوپلینو (۱) مینویسد حالاتی مانند کابوس، وحشت شبانه (نزد اطفال)، شب ادراری، راه رفتن در خواب (سنامبولیسم) تشنجات و هیجانات عصبی بیشتر قابل انتقال بوده و اغلب عوارض مرض بصورت يك سلسله هیجانات و تحریکات عصبی و عدم تعادل در اعمال و حرکات طفل ظاهر میشود.

بعضی امراض مانند سیفلیس یا الکلیسم والدین و اجداد ممکن است تا چند نسل اثر بگذارد و بطوریکه آمار نشان میدهد اطفال خانواده‌های سیفیلیتیک و الکلیک در بین مجرمین رقم قابل ملاحظه ای را نشان میدهند.

عده‌ای از جرم شناسان در مورد تأثیر وراثت آمار جالبی تهیه نموده و مدلل کرده اند که در بعضی خانواده ها فحشاء، تمایل بجنایات و ولگردی بصورت موروثی وجود دارد و با تهیه آمار از چند نسل پی در پی این خانواده ها و تعداد مجرمین، فواحش و ولگردان در هر نسل نظریه خود را مبتنی بر پایه تجربی و عملی دانسته‌اند، البته صحت این نظریه وجود خانواده های جنایتکار تا حدود زیادی قابل تردید است زیرا بسیار امکان دارد که وجود تعداد فوق العاده مجرمین در این خانواده ها بیشتر از آنکه بوراثت بستگی داشته باشد مربوط بعامل اجتماعی و محیط فاسد و ناسالم خانوادگی آنها باشد.

در هر صورت باید گفت که صفات و خصوصیات اخلاقی و بالآخره عوارض روانی قابل انتقال از والدین فرزندان هستند و گاهی اتفاق می افتد که تظاهر آن با فاصله يك نسل در نسل بعد ظاهر میشود. در مقابل صفات ارثی بعضی صفات و عوارض هستند که ذاتی است و در هنگام تکوین و تولد طفل بوجود می آید و یا بر اثر اتفاقات و حوادث دوران بارداری، درد هنگام زایمان ایجاد میشود.

مجموعه این عوارض اعم از ارثی و ذاتی صرف نظر از بیماریها یا اختلالاتی که ممکن است بطور مستقیم بطفل منتقل نموده و یا در وی ایجاد نماید که خود موضوع بحث جداگانه‌ای خواهد بود بر اثر جلوگیری از رشد طبیعی و سالم طفل سبب خواهند شد که طفل فاقد يك شخصیت محکم و قوی بوده و بالطبع در مقابل القانات سوء و اعمال خلاف مطیع و تسلیم باشد. و بهمین جهت امکان ارتکاب جرم نزد این دسته از اطفال بسیار زیاد خواهد بود.

(۱) - Dr. Dublineau.

## تشکر

آقای دکتر فرخ کوچکیور پزشک محترم بیمارهای داخلی و اطفال ضمن شرح محبت آمیزی مرقوم داشته‌اند که بمنظور تشریک مساعی با مجله حقوق امروز حاضرند همه ماهه ده نفر از مشترکین مجله را که نیازمند معالجه رایگان باشند، مورد معاینه و مداوا قرار دهند.

با تشکر از لطف خاص آقای دکتر کوچکیور (ضمن آنکه آرزو مندیم مشترکین مجله همیشه تندرست باشند تا نیازی به مداوا نباشد) چنانچه از مشترکین محترم مجله افرادی مایل به استفاده از این امکان باشند، خواهشمندیم مراتب را کتباً یا وسیله تلفن ۷۵۷۰۰۰ اطلاع دهند تا ترتیب معرفی آنان داده شود.

برای مزید استحضار نشانی مطب آقای دکتر کوچکیور را ذیلا ذکر میکنیم  
خیابان شاهرضا - نزدیک میدان فوزیه - ایستگاه سرآسیاب